

26 words per day

Day 38

Word	Meaning
A ccept	قبول شدن، پذیرفتن، پسندیدن
B ackward	به عقب، وارونه، به پشت، کودن
C astle	دژ، قلعه، قصر، رخ (در شطرنج)
D ebate	بحث، مباحثه کردن، مذاکره کردن
E asily	به آسانی
F ederal	فدرال، ائتلافی، اتحادی، پیمانی
G enuinely	به طور موثق، به طور بی‌ریا، واقعا
H eadache	سردرد، دردسر، خشخاش وحشی
I dentify	هویت، شخصیت، اصلیت، شناسایی
J	
K	
L ane	کوچه، راه باریک، خط سیر هوایی
M anufacturer	صاحب کارخانه، تولید کننده، سازنده
N etwork	شبکه، شبکه توری، اتصال
O bserve	رعایت کردن، مشاهده کردن
P ale	کمرنگ، رنگ پریده، بی‌نور
Q	
R eal	راستین، حقیقی، واقعی، غیرمصنوعی
S afely	به سلامت، بدون خطر
T ail	دم، دنباله، عقب، تعقیب کردن
U nacceptable	غیرقابل قبول
V iolently	جابرانه، شدیداً، به زور، با خشونت
W ing	بال، جناح، شاخه، پره، بالدار کردن
X	
Y	
Z	